

عمران بانوج صحنه گردان پترونیرو صبا و ده‌ها شرکت و حساب بانکی پوششی؛

رمزگشایی از معمای چند ده هزار میلیاردی فساد در پروژه‌های نفتی از مناطق نفت خیز جنوب تا بید بلند و بندر امام

شبکه مدیریتی شکل‌گرفته حول عمران بانوج در شرکت پترو نیرو صبا، با استفاده از شرکت‌های زنجیره‌ای، حساب‌های پوششی و نفوذ در ساختار نفت و گاز، توانسته طی سال‌های اخیر مسیر قراردادهای کلان را منحرف کرده و بخش قابل توجهی از منابع پروژه‌ها را به چرخه‌های مشکوک مالی منتقل کند.

تهیه و تدوین تیم پروه خبری فیدوس - در میانه بررسی اسناد مالی پروژه «بهسازی و احداث تأسیسات جمع‌آوری گازهای مشعل در مناطق نفت‌خیز جنوب» که میان شرکت پالایش گاز خلیج فارس (بیدبلند) و شرکت پترو نیرو صبا در سال ۱۴۰۰ منعقد شده، تصویری نگران‌کننده از یک شبکه چندلایه مدیریتی و مالی آشکار می‌شود؛ شبکه‌ای که بنا بر اسناد در دسترس و گفته‌های مطلعان، حجم فساد در این قرارداد را به رقمی بیش از ۸ هزار میلیارد تومان، به‌صورت ریالی و ارزی، رسانده و البته روشن‌گر شبکه‌ای از فساد در ده‌ها پروژه نفتی به ارزش چند ده هزار میلیارد تومان است. بررسی ساختار مالکیت، سوابق مدیریتی و نحوه گردش پول در شرکت پترو نیرو صبا و شرکت‌های متصل به آن نشان می‌دهد این قرارداد تنها یک پرونده منفرد نیست؛ بلکه حلقه‌ای از الگوی تکرارشونده رانت، شرکت‌های پوششی، بدهی‌های سنگین بانکی و جابه‌جایی مبالغ کلان در سایه ضعف نظارت کارفرمای دولتی و نفوذ سیاسی در بدنه وزارت نفت و مجلس شورای اسلامی است. قابل ذکر است در گزارش بعدی به تخلفات این شرکت در پروژه‌های پیمانکاری به صورت دقیق و موردی اشاره خواهیم کرد.

پروژه بیدبلند و جایگاه پترو نیرو صبا در نقشه فساد

شرکت پترو نیرو صبا که در سال ۱۳۸۷ تأسیس شده، در مدت نسبتاً کوتاهی مسئولیت بخشی از پروژه‌های مهم حوزه انرژی را به‌دست آورده است. تعدادی از این طرح‌ها ناتمام مانده‌اند و در برخی دیگر، الگوی افزایش هزینه‌های برآوردی و تخلفات تکرارشونده دیده می‌شود؛ در عین حال، این شرکت همچنان در پروژه‌های نفت، گاز و پتروشیمی کشور حضور دارد. ترکیب این نشانه‌ها، همراه با تداوم واگذاری پروژه‌ها به این شرکت، از رانتی قدرتمند برای مالکان پترو نیرو صبا حکایت دارد؛ رانتی که بنا بر این گزارش، بر پایه ارتباطات گسترده با مدیران ارشد در بدنه نفت، گاز، پتروشیمی و برخی چهره‌های دارای نفوذ سیاسی شکل گرفته است.

قرارداد سال ۱۴۰۰ با شرکت بیدبلند یک نمونه روشن برای این فساد گسترده است، به‌گفته مطلعان و بر اساس اسناد موجود، نفوذ همین شبکه مدیریتی و سیاسی، سطح فساد مالی را در این پروژه تا بیش از ۸ هزار میلیارد تومان بالا برده است.

مرجع مدیریتی حول «عمران بانوج خوشامیان» و شرکت‌های زنجیره‌ای

محور شبکه: عمران بانوج خوشامیان

شبکه مدیران پترو نیرو صبا حول محور فردی به نام عمران بانوج خوشامیان متمرکز است؛ کسی که از ابتدای تأسیس شرکت تا امروز ریاست هیات‌مدیره را در اختیار دارد و بنا بر اسناد و گفته‌های مطلعان، نقش محوری در شکل‌دهی به الگوی شبکه‌ای فساد، شرکت‌های پوششی و انحراف مالی قراردادهای حوزه انرژی ایفا کرده است.

بانوج، متولد ۱۳۵۵ در تنکابن، پیش از ورود به پروژه‌های کلان نفت، گاز و پتروشیمی، هیچ سابقه برجسته و معناداری در مدیریت صنعتی نداشته است. او دارای مدرک مهندسی مکانیک از دانشگاه آزاد کرج و گواهینامه مدیریت پروژه است؛ عناوینی که امروز در معرفی رسمی او نیز استفاده می‌شود. اما نقش واقعی بانوج در پترو نیرو صبا، نه در توسعه فنی یا مدیریتی، بلکه در هدایت شبکه‌ای از شرکت‌های زنجیره‌ای، مدیریت جریان‌های مالی مشکوک و پیشبرد قراردادهای آلوده به رانت برجسته شده است.

بانوج که در برخی محافل داخلی شرکت از سوی نزدیکانش با عنوان «آقای خاص پروژه‌های نفتی» خطاب می‌شود، بیشتر به‌دلیل نحوه به‌دست آوردن پروژه‌ها و ادعاهایش درباره نفوذ سیاسی شناخته می‌شود تا دستاورد فنی. بنا بر روایت تأمین‌کنندگان و طلبکارانی که در جلسات مذاکره با او حاضر بوده‌اند، بانوج در این نشست‌ها خود را «نفر اصلی» مجموعه معرفی می‌کرده و بارها مدعی شده است توان و نفوذ مالی لازم را دارد که با پرداخت مبالغی تا ۱۰۰۰ میلیارد تومان، «تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی» را برای پیشبرد قراردادها خریداری کند.

او در گفت‌وگوهای رسمی‌تر، داستانی متفاوت ارائه می‌دهد؛ بانوج مدعی است که «نطفه پترو نیرو صبا» سال‌ها پیش در یک دفتر ۵۰ متری در بلوار فردوس تهران بسته شده و امروز شرکتش «پیمانکار عمومی توانمند بخش خصوصی» است که با «جسارت» پروژه‌های بزرگ را به دست می‌گیرد. اما اسناد مالی، وضعیت پروژه‌های نیمه‌تمام، حجم بدهی‌های بانکی، ارتباط با شرکت‌های پوششی و نقش او در ساختار مدیران چندلایه نشان می‌دهد این روایت بیشتر پوششی برای تثبیت قدرت شخصی او در شبکه فساد بوده است، نه شرح یک مسیر واقعی رشد صنعتی.

در ظاهر، بانوج خود را کارآفرینی معرفی می‌کند که «به ظرفیت‌های ذهنی نامحدود باور دارد»؛ تصویری که در سخنانش بارها تکرار شده و حتی از سوی نزدیکانش، به او عنوان «آقای خاص مدیر پروژه» نسبت داده شده است. اما در عمل، همین فرد به مرکزی‌ترین عنصر شبکه‌ای بدل شده که با بهرمگیری از شرکت‌های اقماری، مدیران نیابتی، حلقه‌های پول‌شویی و نفوذ سیاسی، مسیر قراردادهای میلیاردی در حوزه انرژی را منحرف و منابع کلان مالی را به چرخه‌های مشکوک منتقل کرده است.

شرکت‌های متصل به بانوج؛ رقیب صوری و پوشش اعتباری

بانوج حلقه مرکزی زنجیره‌ای از شرکت‌هاست که با حوزه‌های فعالیت متنوع در بخش انرژی و صنعت، ذیل اهداف پترو نیرو صبا کار می‌کنند یا در مناقصات، در نقش «رقیب صوری» این شرکت ظاهر می‌شوند؛ مناقصاتی که به‌گفته مطلعان، از پیش با پرداخت رشوه و لابی سیاسی خریداری شده‌اند.

در فهرست این شرکت‌ها، نام‌هایی چون: توسعه سرمایه‌گذاری و علوم پרגاس تیراژه، طراحان فرایند پترومان، خدمات مدیریت نورهان صنایع، پتروشیمی توسعه آینده صبا، عمران پیشگامان تجارت مهمام، احداث صنعت صبا و نیز شرکت‌هایی مانند اریکه آهن اسفنجی و نیرو تابان مهتاب دیده می‌شود که بانوج در آن‌ها سابقه مدیرعاملی و شراکت در سهام دارد.

بر اساس اسناد و روایت مطلعان، بخشی از این شرکت‌ها در زمان دریافت تسهیلات بانکی برای پترو نیرو صبا، نقش «شرکت پوششی» را بازی کرده‌اند و در بدهی عظیم این شبکه به بانک‌های اقتصاد نوین و ملت، می‌توان الگوی اتصال و هماهنگی آن‌ها را مشاهده کرد.

در ساختار هیات‌مدیره و مدیریت این شرکت‌ها، نام دیگر اعضای هیات‌مدیره پترو نیرو صبا نیز تکرار می‌شود:

امیر رضائی واحد، حامد فرجی، رضاعلی اکبر رباطی

این سه نفر در کنار بانوج، مربع اصلی مدیریتی پترو نیرو صبا را شکل می‌دهند و به تعبیر مطلعان، شرکای اصلی او در شبکه‌سازی شرکتی و تصمیم‌گیری‌های مالی و قراردادی هستند.

از رضائی واحد تا فرجی و رباطی؛ تقسیم نقش در قراردادها

نقش کلیدی امیر رضائی واحد

یکی از مهم‌ترین چهره‌ها در این ساختار، امیر رضائی واحد است که در شرکت‌های متصل به بانوج سمت‌های متعددی داشته است؛ از جمله:

نایب‌رئیس هیات‌مدیره توسعه سرمایه‌گذاری و علوم پרגاس تیراژه، نایب‌رئیس سابق هیات‌مدیره پتروشیمی توسعه آینده صبا، نایب‌رئیس هیات‌مدیره شیمیایی مدیران شیمی، عضو هیات‌مدیره با نایب‌رئیس در صادرات پترو نیرو صبا و احداث صنعت صبا، سهامدار در مجموعه اریکه آهن اسفنجی، مدیر تصفیه برخی از شرکت‌های تعطیل‌شده متعلق به بانوج

اهمیت نقش رضائی واحد زمانی بیشتر روشن می‌شود که به وضعیت مدیریتی پترو نیرو صبا در دوره عقد قرارداد با بیدبند نگاه شود. بر اساس اسناد رسمی و آگهی‌های روزنامه رسمی، با وجود آنکه امروز نام رضاعلی اکبر رباطی به عنوان مدیرعامل پترو نیرو ذکر می‌شود، در دوره عقد قرارداد و دریافت مبالغ ارزی و ریالی پروژه، یعنی از سال ۱۴۰۰ تا آذر ۱۴۰۲، نام مدیرعامل در اسناد رسمی، امیر رضائی واحد بوده است.

طبق این اسناد، رباطی تنها از آذر ۱۴۰۲ به‌عنوان مدیرعامل معرفی شده، در حالی که بخش مهمی از مبالغ پرداختی به پترو نیرو صبا پیش از این تاریخ و در دوره مدیریت رسمی رضائی واحد انجام شده است.

محدودسازی مسئولیت رسمی رباطی

آگهی مهرماه ۱۴۰۳ نکته مهم دیگری را روشن می‌کند: در این آگهی تصریح شده است که اجرای مصوبات هیات‌مدیره و امضای تمامی قراردادها، اوراق و اسناد تعهدآور – از قبیل چک، سفته و برات – منوط به امضای دو نفر از اعضای هیات‌مدیره است و مدیرعامل (رباطی) تنها برای «اوراق عادی و نامه‌های عادی» حق امضا دارد.

این چینش نشان می‌دهد حلقه مدیران پترو نیرو صبا کوشیده‌اند سطح تعهد حقوقی رسمی را برای بانوج و رضائی واحد کاهش دهند و بخش قابل‌توجهی از تصمیم‌ها و امضاها را در پوشش امضای مدیرعامل جدید و دیگر اعضا پیش ببرند. با وجود این، به گفته طلبکاران و کارکنانی که با رباطی دیدار کرده‌اند، او در جلسات با طلبکاران همواره بر «ناآگاهی» خود از تخلفات و جابه‌جایی مبالغ تأکید کرده است؛ در حالی که طبق اسناد مالی، بخشی از این انتقال‌ها با امضای مستقیم او انجام شده است.

حامد فرجی؛ مدیر پشت پرده در شرکت‌های تابعه

حامد فرجی دیگر ضلع مربع مدیریتی پترو نیرو صبا است. او در حال حاضر نایب‌رئیس هیات‌مدیره این شرکت است و همزمان با در دوره‌های مختلف در این مجموعه‌ها حضور داشته است:

شرکت اعتبار کارکنان شرکت پترو نیرو صبا، پتروشیمی توسعه آینده صبا، شیمیایی مدیران شیمی، نیرو تابش خاور، نیرو تابان مهتاب، اریکه آهن اسفنجی

فرجی در این شرکت‌ها نقش‌هایی چون رئیس، نایب‌رئیس، عضو ساده هیات‌مدیره، مدیرعامل و سهامدار را بر عهده داشته است. سطح و تنوع حضور او در شرکت‌های تابعه نشان می‌دهد که فرجی بیش از آنکه چهره‌ای صرفاً تشریفاتی باشد، عملاً نقش «مدیر پشت پرده» در بخشی از تصمیم‌های حساس مالی و قراردادی این شبکه را ایفا کرده است.

لایه دوم؛ مدیران شرکت‌های پوششی

در لایه دوم شبکه، نام مدیرانی دیده می‌شود که در هیأت‌مدیره یا مدیریت اجرایی شرکت‌های تابعه پترو نیرو صبا نقش دارند و در چند شرکت به‌طور تکراری ظاهر می‌شوند؛ افرادی که نقش آن‌ها در پوشش دادن فعالیت‌های مالی و قراردادی شبکه، مهم توصیف می‌شود:

مصطفی خدابنده – مدیرعامل صادرات پترو نیرو صبا، هادی جعفری زیارتی – مدیرعامل احداث صنعت صبا و عضو سابق هیأت‌مدیره پترو نیرو صبا تا سال ۱۴۰۲، محمدباقر ملک – مدیرعامل پتروشیمی توسعه آینده صبا، سعید اروچی – مدیرعامل توسعه سرمایه‌گذاری و علوم پرگاس تیرازه، مهدی ملک علایی – مدیرعامل طراحان فرایند پترومان
این لایه به‌عنوان حلقه مدیران شرکت‌های پوششی عمل می‌کند و نام آن‌ها در مدارک مختلف، در کنار شرکت‌هایی دیده می‌شود که در فرایند دریافت تسهیلات، عقد قراردادها و انتقال منابع مالی نقش واسط دارند.

لایه سوم؛ حلقه پول‌شویی و مدیریت جابه‌جایی مبالغ

در لایه سوم، به‌گفته مطلعان و مطابق اسناد موجود در پرونده پروژه بیدبند، با مجموعه‌ای از افراد روبه‌رو هستیم که نقش اصلی‌شان، مدیریت شبکه جابه‌جایی پول و پنهان‌سازی گردش مالی با منافع شخصی است؛ نقشی که مصداق روشن پول‌شویی توصیف می‌شود.

مجید احمدی؛ مسئول کارگاه یا حلقه اصلی جابه‌جایی پول؟

نام مجید احمدی در این لایه برجسته است. او در یک سال پایانی اجرای طرح، به‌عنوان «مسئول کارگاه رامشیر» معرفی شده و مسئولیت اداره کارگاه و مواجهه با اعتراضات کارگرانی را بر عهده داشته که از دریافت نکردن حقوق خود گلایه داشته‌اند. با این حال، در اسناد رسمی قراردادی، نام فرد دیگری با عنوان محمد احمدی‌خواه ثبت شده است؛ حتی بیمه اعلامی در مدارک رسمی برای محمد احمدی‌خواه ثبت شده، در حالی که فرد حاضر در کارگاه، امضاکننده امور اداری و مالی و طرف تماس با پیمانکاران و نیروها، مجید احمدی بوده است.

به گفته مطلعان، احمدی بازنشسته نیروی انتظامی است و فراتر از مسئولیت کارگاهی، مسئول دریافت مبالغ پرداختی از پیمانکاران معرفی‌شده از سوی نمایندگان بهبهان و رامهرمز بوده است؛ مبالغی که به‌عنوان رشوه، در ازای قراردادهای واگذار شده، به شبکه مدیران پترو نیرو صبا پرداخت می‌شده است.
برخی منابع آگاه می‌گویند پیمانکاران معرفی‌شده از جانب برخی نمایندگان مجلس، ماهانه مبالغی در حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون تومان به حساب مجید احمدی به‌عنوان رشوه جهت سندسازی واریز کرده‌اند؛ بدون آنکه او در اسناد رسمی نقش مستقیم و روشن در قراردادها داشته باشد.

نقش احمدی به مدیریت کارگاه محدود نمی‌شده است؛ به گفته مطلعان، او رابط شبکه با مدیران اجرایی استان – از فرماندار تا دیگر مقامات – و منتقل‌کننده هزینه‌های تبلیغاتی نماینده کنونی رامهرمز، امیرحسین نظری، و نماینده فعلی بهبهان مظلومی بوده است؛ هزینه‌هایی که پترو نیرو صبا پرداخت آن را به عهده او گذاشته است.

زنجیره حساب‌های واسطه؛ از پیمانکاران تا مدیران اصلی

شبکه پول‌شویی در این پرونده تنها به احمدی ختم نمی‌شود. بر اساس اسناد و گفته‌های افراد درگیر، نام‌هایی چون مونا عسکری و آمنه خسروی نیز در این چرخه دیده می‌شود؛ افرادی که حساب‌های بانکی و خطوط تلفن آن‌ها در مسیر انتقال مبالغ و هماهنگی‌های خارج از چارچوب قانونی مورد استفاده قرار گرفته است.
الگوی روایت‌شده از سوی مطلعان چنین است:

- مبالغ دریافتی از پیمانکاران – که قرار بوده درصدی از آن به دو نفر اصلی پترو نیرو، یعنی بائوج و رضائی واحد، بابت «حق واگذاری قرارداد» برسد – ابتدا به حساب همسر سابق او آمنه خسروی واریز می‌شود.
- خسروی این مبالغ را به حساب مونا عسکری، منتقل می‌کند.
- در مرحله سوم، پول از حساب مونا عسکری به حساب افراد دیگر واریز شده است.
این مسیر چندلایه، عملاً پوششی برای چرخه گردش پول و مصداقی روشن از پول‌شویی و حتی دور زدن سایر شرکای شرکت توصیف می‌شود.

به گفته افراد مرتبط با پروژه، مونا عسکری در محله کیان‌آباد خانه‌ای را با دستور مدیران پترو نیرو صبا اجاره کرده و به‌عنوان دفتر غیررسمی در آن مستقر بوده است. در بخش‌های اداری و مالی شرکت نیز نقل شده که در مقاطعی، رقابت شدیدی میان بائوج و رضائی واحد برای قرار دادن افراد مورد اعتماد خود بر سر پروژه‌ها و طرح‌ها وجود داشته؛ رقابتی که هدف اصلی آن، دریافت سهم بیشتر از قراردادهای واگذارشده به پیمانکاران عنوان شده است.

دارایی‌ها، تغییر نام خانوادگی و کارمندی که به «قربانگاه» فرستاده شدند

در کنار این حلقه‌ها، نام پدر عمران بانوج نیز در شبکه گردش مالی مطرح است. او با نام خانوادگی سابق بانوج – پیش از تغییر نام – فعالیت می‌کند و طبق این گزارش، بخش‌هایی از مبالغ از طریق حساب او به خرید املاک مختلف اختصاص یافته است؛ از جمله چندین هکتار زمین در تنکابن و دیگر شهرستان‌های شمالی کشور.

فرد دیگری که باید در این شبکه مورد توجه قرار گیرد، کارمندی است که در پروژه بیدبلند، نزدیک به ۵ ماه به‌عنوان مدیر پروژه و حدود یک سال به‌عنوان ناظر طرح حضور داشته است؛ فردی به نام عزیزپور. به گفته مطلعان، در هر نوبت واریز پول از بیدبلند به حساب پترو نیرو صبا، ۳۰ تا ۴۰ درصد مبلغ به حساب عزیزپور منتقل می‌شده است. او در پروژه‌های دیگر پترو نیرو نیز نقشی مشابه ایفا کرده و به نظر می‌رسد از افراد کلیدی حلقه پول‌شویی شرکت باشد.

نقش حیاتی لایه‌های دوم و سوم در این شبکه، زمانی روشن‌تر می‌شود که به مصادیق خرج مبالغ دریافتی نگاه کنیم؛ از جمله:

خرید ساختمان برای شرکت، همزمان با شروع قرارداد بیدبلند، به مبلغ حدود ۴۰۰ میلیارد تومان

خرید شرکت کهن آسین سازه تجهیز در فروردین ۱۴۰۳ با مبلغ ۲۲۹ میلیارد تومان

این جابه‌جایی‌ها در حالی انجام شده که به گفته کارکنان، مدیران پترو نیرو صبا طی ماه‌های گذشته با ادعای زیان‌دهی و نبود منابع مالی، ماه‌هاست حقوق پرسنل خود را پرداخت نکرده‌اند و بدهی شرکت به طرف‌های قراردادی تجهیزات و خدمات در منطقه، به حدود ۷۰۰ میلیارد تومان رسیده است.

ضمن آنکه یکی از موارد عجیب در پرونده کاری پترو نیروی صبا صادرات ۸ میلیون یورو میلگرد از محل دارایی پروژه‌ها به کشور آفریقای جنوبی است که تنها یک مورد از جابه‌جایی مبالغ کلان در این شرکت برای انتفاع شخصی به صورت غیر قانونی است.

یا برای مثال یک نمونه دیگر از موارد تبانی و کلاه برداری علنی شرکت پترو نیروی صبا، پروژه کارون دو است که قرارداد آن با شرکت پتروشیمی کارون منعقد شده و با روش مشابه بید بلند و طولانی کردن زمان انجام کار به نسبت قرارداد، چند برابر مبلغ اولیه پول دریافت شده و هنوز هم پروژه به طور کامل به پایان نرسیده است.

به روایت این منابع، در سوی دیگر ماجرا، مالکان اصلی شرکت بخشی از همین پول‌ها را به ارز، املاک خارج از کشور، خرید املاک به نام بستگان و خرید خودروهای خارجی تبدیل کرده‌اند.

نقش نظارت دولتی و نفوذ سیاسی؛ چرا این شبکه مهم است؟

آنچه نفوذ این شبکه را در پروژه‌های مختلف حوزه انرژی به موضوعی حساس تبدیل می‌کند، صرفاً ابعاد مالی فساد و زیان‌دهی طرح‌ها نیست؛ بلکه دخالت آشکار شبکه‌ای از مدیران وزارت نفت و نمایندگان مجلس در واگذاری پروژه‌ها به پترو نیرو صبا و شرکت‌های متصل به آن است.

بر اساس این گزارش، همین شبکه، رانت اصلی برای پترو نیرو را فراهم کرده و در قراردادهای انجام‌شده، سهم قابل‌توجهی از مبالغ ناپدیدشده را به خود اختصاص داده است؛ در حالی که طرح‌ها نیمه‌تمام مانده، کارگران و پیمانکاران طلبکاران و بدهی‌های سنگین به نظام بانکی و بخش خصوصی برجای مانده است.

این پرونده، اگرچه حول قرارداد «**بهسازی و احداث تأسیسات جمع‌آوری گازهای مشعل در مناطق نفت‌خیز جنوب**» میان شرکت بیدبلند و پترو نیرو صبا شکل گرفته، اما در واقع نمونه‌ای از یک الگوی وسیع‌تر فساد ساختاری در صنعت نفت، گاز و پتروشیمی است؛ الگویی مبتنی بر شبکه‌های شرکتی زنجیره‌ای، شرکت‌های پوششی، پول‌شویی چندلایه و نفوذ سیاسی که بدون نظارت واقعی و پاسخگویی شفاف، می‌تواند هر پروژه‌ای را به ابزار انتقال منابع عمومی به جیب گروهی محدود تبدیل کند.